

جایگاه مدرسه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی

معصومه ملک پور افشار^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی

چکیده

مدرسه از مهم ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشی استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود. هدف از این پژوهش بررسی جایگاه مدرسه در نظام تعلیم و تربیت است که از روش تحقیق مطالعه کتابخانه ای، از اسناد و مقاله ها در گردآوری اطلاعات استفاده شد. مدرسه دانش آموزان را متعهد می سازد ارزش های جامعه را درونی سازند. یکی از کارکردها عمومی آموزشی و پرورشی، اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان است و مفاهیم عمده تربیت اجتماعی آن از جمله خود کفایتی، ابراز وجود، استقلال، خودپندار، خودرہبر، رقابت، همکاری، نوع دوستی، هویت جویی، تشخیص طلبی و ده ها مولفه تربیتی دیگر که به نوعی شخصیت اجتماعی کودکان را شکل می دهد در همین دوران آموزشی تحقق می پذیرد. در مکتب اسلام، همه افراد در همه زمان ها و اعصار به اجتماعی بودن و اجتماعی شدن فرا خوانده می شوند و روح همیار در قالب اعمال و احکام دینی مورد تاکید قرار گرفته است و ما باید کودکان را آن گونه که مکتب به ما سفارش کرده است پرورش دهیم.

واژه های کلیدی: مدرسه، تعلیم و تربیت، دانش آموز

۱- مقدمه

مهم ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود. انتقال ارزش های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه ای که مدرسه دانش آموزان را متعهد می سازد ارزش های جامعه را درونی سازند. در مدارس، آموزش ارزش ها در لایه لای دروس گوناگون صورت می گیرد و کارایی تعلیم ارزش ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. معلم با شناخت امکانات، به تجهیز محیط آموزشی می پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می کند؛ چراکه موفقیت در مدارس مستلزم آن است که معلمان عقاید دیگران را بپذیرند. نظام آموزش و پرورش از طریق روش هایی که در امر تدریس به کار می گیرد ارزش ها و برداشت های خاصی را در ذهن دانش آموزان جای می دهد و در روند تبیین ارزش ها، همسالان از طریق کنش متقابل، نقش مهمی ایفا می کنند، به گونه ای که نظام های آموزشی در دنیا کشیده «مدرسه محور» تلاش می کنند از توانایی های منابع انسانی خود سود ببرند. اگر نظام های آموزشی به سوی مدیریت و حرمت گذاشتن به توانمندی منابع انسانی هستند. محتوای درسی «فرا دست» فرو دست» شده اند خواهان گذر از مدیریت هم مسیر رسیدن به هدف های اجرایی را برای شاگردان میسر می سازد. مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط مشخص و با توجه به ساخت ویژه هر رشته و یادگیری قبلی شاگردان تنظیم شود. محتوای آموزشی باید مرتبط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی باشد. همه این امور در یک فضای مناسب درسی امکان پذیر است و سرانجام، معلم از طریق ارزشیابی، به وجود قوت و ضعف تدریس خود و کفایت ابزارهایی که در تدریس به کار برده است، پی می برد. موضوع تربیت، انسان است و انسان موجودی پیچیده است. نوع زندگی فردی و به تبع اجتماعی او نیز دائماً در حال تحول و دگرگونی می باشد، بسیاری از ابعاد وجودی او هنوز در هاله ای از ابهام باقی مانده است. به همین دلیل علم تعلیم و تربیت نیز از جهات مختلف دارای پیچیدگی فوق العاده ای است. مجموعه شاخص ها و معیارهای تربیت اسلامی که از آیات قرآن استنباط می شود را می توان تحت سه مولفه فرایندهای ذهنی، رفتار و تمایلات دسته بندی کرد شاخص های ذیل هر مولفه عبارتند از: مولفه فرایندهای ذهنی شامل شاخص های: علم و دانش، تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی، مولفه رفتار شامل شاخص های: تعهد و مسئولیت شناسی اجتماعی، عمل گرایی، عفت و پاکدامنی، امر به معروف و نهی از منکر، عبادت، مولفه تمایلات شامل شاخص های: حب الهی، ولایت پذیری. اگرچه این شاخصها تحت سه مولفه دسته بندی شدند ولی بشدت با همدیگر مرتبط هستند. با اجرای این پژوهش امید است ابزاری مناسب در اختیار نهادهای سازمانهای آموزشی و مدارس قرار گیرد تا آنان را قادر به ارزیابی فعالیتهای تربیتی خود با توجه به اهداف بکند.

جایگاه مدرسه در تعلیم ارزش ها، ممکن است در قالب برنامه های درسی باشد. برنامه های درسی دو نوع است: آشکار و پنهان. برنامه رسمی آموزشی، که مقام های مسئول در قالب مواد درسی، هدف ها و محتوای معینی تصویب و اجرا میکنند، از نوع برنامه درسی آشکار است. برنامه درسی پنهان به معیارها، ارزش ها و اعتقادات ناگفته می پردازد که روابط اجتماعی مدرسه بر آنها استوار است و به محتوای کتاب ها و درس هایی که به طور رسمی تدریس می شود هیچ ارتباطی ندارد و به طور ضمنی آموخته می شود و به همین دلیل، ایلچ در دیدگاه انتقادی خود، از مدرسه زدایی سخن می گوید و خواهان تغییرات در نظام های آموزشی کنونی است. بر این اساس آموزش ارزش ها در مدرسه، یا به صورت ناخواسته است که این نوع آموزش نتیجه آگاهانه یا ناآگاهانه نوع سازمان دهی اداری و روابط اجتماعی درون مؤسسه آموزشی است، یا آموزش ارزش ها به صورتی مستقیم و هدفمند صورت می گیرد. به این منظور، میان معلمان و دانش آموزان کلاس هایی با عنوان گنجینه می شود. تعلیم ارزش ها علاوه بر شیوه های مستقیم، به شیوه های غیرمستقیم نیز صورت «تحلیل جریان های روز» می گیرد که از آن جمله، الگوپردازی است که همان تقلید آگاهانه یا ناخودآگاهانه از بزرگان، مدرسه، جامعه و خانواده است. بسیاری از دانش آموزان ارزش ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می آموزند. سوال اصلی: جایگاه مدرسه در تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

۲- تعلیم و تربیت در اسلام:

دین طبق نخستین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش(علم بالقلم) از یک سو، و تعالی روح و کمال انسانی(علم الانسان ما لم يعلم) از سوی دیگر تأکید می کند. از دریچه همین تأکید است که می توان اولاً به این ادعا که قرآن یک کتاب تربیتی است استدلال کرد، ثانیاً بر اهداف و آرمانهای عام و کلی نظام تربیت اسلامی وقوف یافت. تمام روشهای تربیتی در اسلام در حقیقت حاکی از پیوند انسان و رب است و همه فرع و شعبه های تربیت از این پیوند و کیفیت آن منشاء می گیرد. دین به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می دهد و فرهنگ دینی حاکم بر انسان در همه شؤون زندگی او ریشه می دواند. تربیت دینی نشان دهنده راه و روشی است که در انتها به هدف زندگی منجر می شود. تعلیم و تربیت از دیرباز و طی قرون و اعصار همواره مورد توجه عالمان، اندیشمندان و فیلسوفان بوده و بدین سان توانسته است افکار و اندیشه های بزرگ را به سوی خویش فراخواند. تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری بر چند رکن اساسی مبتنی است. اول؛ نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل مسأله علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره خصوصیات علمی که انسانها باید در پی آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته است. «تعلیم» آنگونه که متفکران مسلمان سخن گفته ان با «تعقل» متفاوت است. تعلیم جریان یکسویه ای از اطلاعات است از جانب معلم به سوی متعلم و در آن «ذهن متعلم چونان انباری است که یک سری اطلاعات در آن ریخته شود.» و او هیچ دخالتی در چند و چون و تقدم و تأخر آنها ندارد. اما تعقل مبتنی است بر «پرورش و استقلال یافتن نیروی فکری متعلم و زنده شدن قوه ابتکار در او» آنچنان که خود مستقلاً بتواند اطلاعات خامی را که از منابع گوناگون دریافت می کند تبویب و تألیف کند و با تأمل در آنها احیاناً به نتایج جدیدی برسد. قوت گرفتن نیروی تعقل در وجود آدمی در نهایت او را تبدیل به یک مجتهد خواهد کرد و «اجتهاد واقعی نیز همین است که وقتی یک مسأله جدید که انسان هیچ سابقه ای درباره آن ندارد، به او عرضه شد فوراً بتواند اصول را به نحو صحیح بر آن تطبیق کرده و نتیجه گیری نماید.» در متون دینی، به تعلیم و تعقل، هر دو توصیه فراوان شده است چه تعلیم بدون تعقل و تفکر مفید هیچ فایده ای نیست هم چنانکه «تعقل بدون تعلیم و تعلم امکانپذیر نیست». چراکه «مایه اصلی تفکر (پردازش اطلاعات در ذهن) تعلیم و تعلم (آموختن اطلاعات) است» «آموختن بعضی علمها مانند علم بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الاخر که از مقدمات ایمان صحیح (ایمان به علم) محسوب می شود، واجب عینی بوده و بالذات مطلوب شارع است.» اما علوم دیگری هم هستند که چون «تحقق هدفی از اهداف شریعت اسلام متوقف بر آموختن آنها است باید فرا گرفته شوند» و هیچ علمی از اقسام مختلف علوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. کاوش در مسأله علم آموزی (تعلیم) از دیدگاه اسلامی خود مقدمه ای است برای تأمل دقیق تر در باب «تعقل» که در متون دینی ما از درجه و مرتبه بالاتری برخوردار است. (شکوهی، ۱۳۷۵: ۱۴)

تعلیم و تربیت اسلامی در اولین گام با استوار کردن پایه های دانش و تفکر در انسانها آغاز می شود و قوام می یابد. پس از این گام نخست برای رسیدن به غایت متعالی آموزش و پرورش دینی که همان تربیت انسان کامل است گامهای مهم دیگری را نیز باید برداشت که در ادامه درباره آنها سخن خواهیم گفت (صادقی، ۱۳۹۵: ۴۵)

دوم؛ از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری دومین گام اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی پرورش استعدادهای نهفته در وجود آدمی است. از اولیات انسان شناسی اسلامی یکی این است که لوح وجود آدمی در بدو تولد پاک و بی نقش نیست و خداوند در نهاد همه ابناء بشر پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. این تعلیمات پیشینی، اگرچه به نحو آگاهانه در ضمیر انسانها موجود و مستقرند لکن همه آنها بالفعل نیستند و در بسیاری از موارد از قوه به فعل درآوردن انسانها محتاج نوع خاصی از سلوک جسمی و روحی و مآلاً نحوه خاصی از تربیت و آموزش است. استاد شهید معتقد است که به واقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای موجود در باطن انسانها نیست. اگر انسان چیزی هم از خارج می آموزد برای آن است که آن آموخته ها و اطلاعات را بر «فطریات خود» بیفزاید و از امتزاج و در هم رفتن آنها نیروی بیشتری بگیرد و طریق کمال را سریعتر طی کند.

این سخن که انسانها به نحو ما تقدم از برخی آگاهیهای فطری برخوردارند در میان فیلسوفان غرب نیز طرفدارانی دارد. از جمله ایما نوئل کانت فیلسوف شهر آلمانی معتقد است که آدمیان مستقل از هرگونه تعلیم و آموزش بر «خیر اخلاقی» و مصادیق آن وقوف دارند و پیش از آنکه فردی از خارج برای آنها از تکلیف اخلاقی سخن بگوید خود از تکالیف خویش آگاهند و لذا او به جد معتقد است که پیشینی و مستقل از تجربه دانستن خیر اخلاقی تنها راه «توجیه» عمل اخلاقی است. آنچه خداوند به عنوان باورهای فطری در نهاد آدمیان قرار داده، در اعلی درجه خیر و راستی است و انسانها برای آنکه به غایت کمال برسند حاجت به هیچ چیزی جز به فعلیت رساندن استعدادهای فطری خود ندارند. استاد از این سخنان چنین نتیجه می گیرد که نظام تربیتی اسلام به طور عمده حول بسط نظریات شکل می گیرد چه هر سیستم آموزشی که منطبق بر فطرت درونی و ندای وجدان آدمی نباشد هرگز موفق نبوده و کاری از پیش نخواهد برد حتی اگر به اجبار و اکراه هم متوسل شود. سوم؛ از دیگر ارکان نظریه تعلیم و تربیت در اسلام این است که در اثر آموزش صحیح فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی در وجود آدمی متمکن می شود و روح انسان به آنها «عادت» می کند. بسیاری از نظریه پردازان بزرگ تربیتی در غرب عقیده دارند که «عادت» اصولاً و مطلقاً امر ناپسندی است. مثلاً روسو در کتاب امیل می گوید: «امیل را باید عادت دهم که به هیچ چیزی عادت نکند.» و یا کانت در جایی می گوید: «هراندازه عادات بشر بیشتر باشد استقلال و آزادی او بیشتر می شود.» استاد شهید می گوید: «این ها عقیده دارند که چون خاصیت عادت این است که اراده را ضعیف می کند به نحوی که انسان نمی تواند علیه مأنوسات روحی و جسمی خود قیام نماید پس عادت در هر زمینه بد است. لذا اینها در مقابل این تعریف که تربیت فن تشکیل عادت است می گویند تربیت فن برهم زدن عادت است.» استاد معتقد است که صدور حکم کلی درباره این که عادت همواره ناپسندی است چندان صائب نیست. «چون عادت بر دو قسم است: عادات فعلی و انفعالی. عادت فعلی آن است که انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی قرار نمی گیرد بلکه کاری را در اثر تکرار و ممارست بهتر انجام می دهد.» (افراسیاب پور، ۱۳۸۸: ۱۸۱)

۳- مبانی تعلیم و تربیت:

وَيَرْكِبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه ۶۲) تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین هدف های عالی پیامبران بوده است. تا انسان به کمال و هدف خلقت نایل شود. فلاسفه و دانشمندان حتی پیروان مکاتب مادی و الحادی با روش و بینش خویش از تعلیم و تربیت سخن گفته اند.

تربیت به معانی رشد دادن و رفع موانع جهت شکوفایی استعدادها به سوی کمال است. تعلیم بدون تربیت موجب سقوط انسان خواهد شد. با نگاهی به گذشته بشر مقطعی از تاریخ را نمی توان یافت که خالی از این دو عنصر مهم باشد؛ پیشینه چین، هند، ایران، اروپا و ... شاهد صدق این مدعا است. قرآن کریم سند مدون تعلیم و تربیت است که با کلام اِقرأ ... عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق ۹۶)، بر بشر نازل گردید. رشد فردی و اجتماعی، غلبه بر طبیعت و ... از ضرورت های مهم بحث تعلیم و تربیت هستند. با توجه به اینکه هر مکتبی بر پایه مبانی خاص خود؛ یعنی زیر ساخت فلسفی و اعتقادی خود به تربیت انسان ها می پردازد، شناخت این مبانی از دیدگاه اسلام برای دستیابی به نظرات تربیتی اسلام، اجتناب ناپذیر است. در واقع بدون تبیین مبانی تربیت نمی توان از اهداف آن سخن گفت. (علی نژادوهمکاران، ۱۳۸۹: ۷۸)

آن گونه که از آیات قرآن بر می آید، تعلیم موهبت ارزشمندی است که خداوند از آغاز خلقت به انسان ارزانی داشته و بعثت پیامبران برای تکمیل و توسعه آن بوده است: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) (بقره ۳۱) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق ۹۶) وَعَلَّمَ لَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه ۶۲)

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده ربی یربو، به معنای رشد است و تربیت نیز به معنای رشد است و تربیت عبارت است از رشد دادن و یا فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته یک موجود و بدین ترتیب، تربیت به انسان اختصاص ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد، صادق است و هرگاه در مورد انسان به کار رود، کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می گردد. (کاروان، ۱۳۹۸: ۶۱)

۴- نقش مدرسه

مدرسه از مهم ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود. انتقال ارزش های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه ای که مدرسه دانش آموزان را متعهد می سازد ارزش های جامعه را درونی سازند. در مدارس، آموزش ارزش ها در لایه لای دروس گوناگون صورت می گیرد و کارایی تعلیم ارزش ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. معلم با شناخت امکانات، به تجهیز محیط آموزشی می پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می کند؛ چراکه موفقیت در مدارس مستلزم آن است که معلمان عقاید دیگران را بپذیرند. نظام آموزش و پرورش از طریق روش هایی که در امر تدریس به کار می گیرد ارزش ها و برداشت های خاصی را در ذهن دانش آموزان جای می دهد و در روند تبیین ارزش ها، همسالان از طریق کنش متقابل، نقش مهمی ایفا می کنند، به گونه ای که نظام های آموزشی در دنیا تلاش می کنند از توانایی های منابع انسانی خود سود ببرند. اگر نظام های آموزشی به سوی مدیریت «مدرسه محور» کشیده شده اند خواهان گذر از مدیریت «فرداست - فرودست» و حرمت گذاشتن به توانمندی منابع انسانی هستند. محتوای درسی هم مسیر رسیدن به هدف های اجرایی را برای شاگردان میسر می سازد. مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط مشخص و با توجه به ساخت ویژه هر رشته و یادگیری قبلی شاگردان تنظیم شود. محتوای آموزشی باید مرتبط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی باشد. همه این امور در یک فضای مناسب درسی امکان پذیر است و سرانجام، معلم از طریق ارزشیابی، به وجود قوت و ضعف تدریس خود و کفایت ابزارهایی که در تدریس به کار برده است، پی می برد. (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۱۴۸)

۵- نقش مدرسه در آموزش

مسئولیت آموزش ارزش ها وظیفه تمامی نیروهای تربیتی جامعه، یعنی خانواده، مدرسه و نهادهای گوناگون اجتماعی - مانند نهادهای سیاسی و اداری - است. آموزش به عنوان یک واجب دینی، امری جدی تلقی می شود. روش آموزش بر اساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام از صورت تحکم خارج می شود و به صورت هدایت و بحث و تعقل درخواهد آمد. همان گونه که در قرآن آمده است: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی اند؟» (زمر: ۹)

جایگاه مدرسه در تعلیم ارزش ها، ممکن است در قالب برنامه های درسی باشد. برنامه های درسی دو نوع است: آشکار و پنهان. برنامه رسمی آموزشی، که مقام های مسئول در قالب مواد درسی، هدف ها و محتوای معینی تصویب و اجرا می کنند، از نوع برنامه درسی آشکار است. برنامه درسی پنهان به معیارها، ارزش ها و اعتقادات ناگفته می پردازد که روابط اجتماعی مدرسه بر آنها استوار است و به محتوای کتاب ها و درس هایی که به طور رسمی تدریس می شود هیچ ارتباطی ندارد و به طور ضمنی آموخته می شود و به همین دلیل، /یلیچ در دیدگاه انتقادی خود، از مدرسه زدایی سخن می گوید و خواهان تغییرات در نظام های آموزشی کنونی است. بر این اساس آموزش ارزش ها در مدرسه، یا به صورت ناخواسته است که این نوع آموزش نتیجه آگاهانه یا ناآگاهانه نوع سازمان دهی اداری و روابط اجتماعی درون مؤسسه آموزشی است، یا آموزش ارزش ها به صورتی مستقیم و هدفمند صورت می گیرد. به این منظور، میان معلمان و دانش آموزان کلاس هایی با عنوان «تحلیل جریان های روز» گنجانده می شود. تعلیم ارزش ها علاوه بر شیوه های مستقیم، به شیوه های غیرمستقیم نیز صورت می گیرد که از آن جمله، الگوبرداری است که همان تقلید آگاهانه یا ناخودآگاهانه از بزرگسالان، مدرسه، جامعه و خانواده است. بسیاری از دانش آموزان ارزش ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می آموزند. (شعبانی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

یکی دیگر از شیوه های غیرمستقیم تعلیم ارزش ها «خودگردانی امور مدرسه» است که معلمان هر از گاهی از دانش آموزان بخواهند به ارزیابی خود بپردازند. همچنین تعلیم ارزش ها از طریق فعالیت عملی، یعنی برنامه مشترک نهادهای آموزشی با نهادهای اجتماعی، نیز می تواند مؤثر واقع شود. مقاطع تحصیلی گوناگون در ایجاد و تقویت ارزش های خاص در ذهن دانش

آموزان نیز نقش دارد. طی مطالعاتی که صورت گرفته است، دوران تحصیلی دبیرستان بیشترین تأثیر را از حیث تقویت ارزش های خاص در ذهن دانش آموزان دارد. مطالعات دیگری نشان داده است که تأثیر آموزش های ارزشی و اخلاقی بیشتر در زمانی احساس می شود که فرد محیط آموزشی خود را ترک نکرده است و این برداشت ها و روحیات تحت تأثیر شدت یا ضعف سایر ارزش های حاکم بر کل جامعه، زودتر یا دیرتر اثر خود را از دست می دهد. شرط اول تعلیم و تربیت ارزش ها در مدرسه نیز برقراری روابط انسانی بین فراگیران و معلمان است. (میر محمدی، ۱۳۸۹: ۲۵۴)

عامل مهم موفقیت مدیران در همه مدیریت ها، روابط انسانی است. «روابط انسانی» مفهوم وسیعی دارد. ریس و برنندت در کتاب *روابط انسانی/تربخش گفته اند*: روابط انسانی در مفهوم وسیع آن، همه انواع تعاملات بین مردم، تعارض ها، کوشش های معاضدت آمیز و روابط گروه ها را دربرمی گیرد. مدیران آموزشی پیش از بحث درباره روابط انسانی، باید واجد «شیوه تفکر اساسی» باشند. حتما باید به این نکته اصلی معتقد باشند که همه افراد بالارزشند و این باور را در رفتارشان نیز متجلی کنند. (بخشی، ۱۳۷۷: ۱۴۸)

(شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۲۵۸)

۶- جایگاه مدرسه در آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان

آموزش مهارت های اجتماعی آموزش راهبردهاست و هدف آن کمک به دانش آموزان برای حفظ و برقراری تعاملات مثبت و سازنده با دیگران است مدرسه و محیط آموزشی همواره کانون توجه صاحب نظران سلامت و روان است. گروه سنی دوره ابتدایی از حساس ترین گروه در جامعه شناخته شده است از این جهت که دانش آموزان بیشتر ساعت خود را با گروه همسالان در مدرسه می گذرانند و البته روشن است که تأثیرات زیادی را بر سلامت روح و روان می گذارد و براین اساس صاحب نظران مسائل روانی در کنار توجیه خانواده ها در جهت شناخت عوامل موثر در بهداشت روانی مراکز آموزشی و مدارس را نیز مورد توجه قرار می دهند. (ادی ۸۶، ۱۳۸۸). طبق تحقیقات و مطالعات انجام شده یکی از مسائلی که در مقطع ابتدایی و دیگر مقاطع از اهمیت زیادی برخوردار است، داشتن مهارت اجتماعی دانش آموزان است. مهارت اجتماعی به مجموعه رفتارهای فرا گرفته و قابل قبولی گفته می شود که فرد را قادر می سازد با دیگران رابطه موثر داشته و از عکس العمل های نا مهقول اجتماعی خود داری کند. (گرشام و الیوت ۱۹۸۴). یکی از دلایل اصلی که سبب می شود دانش آموزان با نیازهای ویژه محبوبيت نداشته باشند، این است که آنها (دانش آموزان) در زمینه به کار بردن مهارت های اجتماعی دچار مشکل هستند. و با آموزش مهارت های لازم در جهت بهبود و رشد آنان کمک بسیاری می شود. در حال حاضر بسیاری از محققان اعتقاد دارند مهارت اجتماعی آموختنی است. زیرا افرادی که در محیط های نامناسب و نامعقول هستند قادر به برقراری هیچ نوع ارتباط صحیح نمی باشند و موجب می شود تا آنان (دانش آموزان) در برقراری ارتباطات دچار مشکل شوند. فقدان مهارت های اجتماعی موجب چالش های اخلاقی برای افراد می شود. رشد اخلاقی حاصل تعامل بین طبیعت و تربیت است، اخلاق در نتیجه تعامل عواملی مانند نظرات والدین، روش های انضباطی و همچنین انتخاب ها و اختیارات خود کودکان شکل می گیرد. کودک از تجارب اولیه خود برای تشخیص درست از غلط بهره می گیرد. در عین حال هنگامی که نیاز به تربیت و پرورش دارند، والدین به طور متعادل نیازهایشان را برآورده می سازند، بدین ترتیب یاد می گیرند در زندگی مقررات را بپذیرند و پاس ها را تحمل کنند. دوست داشتن افرای و برآوردن نیازها صرف نظر از خواسته ها و نیازهای کودک، او را لوس می کند. این سبب می شود کودکان در اولین مراحل رشد اخلاقی بر اساس فردگرایی خودخواهانه مغرور شوند. این مساله برای کودکان دو ساله خوب است، برای شش ساله ها قابل تحمل و در ۱۲ ساله ها و یا سنین بالاتر مضر است (مختاری پور و سیادت، ۱۳۸۷: ۱۲). از طرف دیگر، ناتوانی در مهارت های اجتماعی می تواند تقریباً تمام جنبه های زندگی یک دانش آموز را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا موجب کاهش حساسیت وی نسبت به مردم و درک ضعیف او از موقعیت های اجتماعی می گردد. شکست در یادگیری و عملکرد تحصیلی، خود می تواند موجب بروز مشکلات اجتماعی و عاطفی ثانویه گردد. بطور کلی مشکل اجتماعی در ناکارآمدی تحصیلی می تواند بسیار مؤثر باشد (لرنر ۲۰۰۷؛ به نقل از شفیعی نادری، ۱۳۹۰).

۷-مدرسه اثر بخش

برخی از محققان معتقدند که یک مدرسه اثربخش، مدرسه ای است که همه این شاخص ها را برآورده کند: ۱. ۹۵ درصد یا بیشتر دانش آموزان در هر سطحی دست کم تسلط علمی در زمینه های مهارت های پایه را از خود بروزدهند؛ البته این تسلط آزمون های استاندارد قابل بررسی و اثبات است؛ ۲. تفاوتی معنی دار میان میزان تسلط دانش آموزانی که از طبقات اقتصادی - اجتماعی پایین جامعه هستند و همتهای آنها بالای جامعه وجود ندارد و ۳. دو معیار بالا باید طبقات به مدت سه سال برقرار باشد. در تعریف عملیاتی برخی از تحقیق ها بیان شده است، مدرسه ای اثربخش است که ۷۵ درصد از دانش آموزان آن ۷۵ تا ۱۰۰ درصد موضوع هایی که تعیین شده و آزمون می شوند تسلط یابند (پاک نیا، ۱۳۸۶: ۲۲)

در تعریفی دیگر بیان می شود که مدرسه اثربخش به وسیله بسیاری از محققان به این صورت تعریف شده است: «مدرسه ای است که دانش آموزان آن به خوبی بر حیطه های مختلف مهارت های پایه در هر سطحی، مسلط شوند و این تسلط به وسیله نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مشخص می شود». برخی دیگر مانند موران و ولف گین (۱۹۹۷) بیان می کنند، مدرسه ای اثربخش است که بتواند وجود دو امر کیفیت و برابری را به منصف ظهور برساند برای سنجش اثر بخشی، مدل هایی تدوین شده اند؛ مدل های سنجش اثربخشی، مواردی مانند موارد زیر را دربرمی گیرند: «مدل فرایند مدیریت» که به توسعه فرایندهای مدیریت در تعیین و انتخاب اهداف سازمان می پردازد و «مدل میسکل» با تأکید بر عوامل سبک رهبری، موقعیت و عملکرد، اثر بخشی را بررسی می کند

۸-نقش مدرسه در تربیت اجتماعی کودک

یکی دیگر از ابعاد بسیار مهم در تربیت، تربیت اجتماعی است که نقش مدرسه در تربیت اجتماعی بسیار پر رنگ است؛ البته نقش مطبوعات، رسانه ها مانند رادیو و تلویزیون را نیز در این نوع تربیت باید پر رنگ دانست سن شروع مدرسه سنی است که در آن، خود میان بینی کودک کاهش پیدا کرده و کودک با مفاهیمی چون ایثار، از خودگذشتگی و غیره آشنا می شود؛ در نتیجه این دوره یعنی دوره ۶ تا ۱۲ سالگی بهترین دوره ای است که می توان به کودک مفاهیمی چون استقلال، ابراز وجود، همکاری، نوع دوستی، رقابت صحیح و هویت جویی و غیره را آموزش داد و نقش مدرسه در تربیت صحیح را موثرتر نمود. معلمان می توانند با روش های آموزشی غیر مستقیم این مفاهیم را به کودکان آموزش دهند. به عنوان مثال از طریق بازی های گروهی میتوان مفاهیمی چون همکاری را به کودکان آموزش داد. با مسئولیت دادن به دانش آموزان می توان حس مسئولیت پذیری را در آنها پرورش داد؛ به عنوان مثال می توان یکی از دانش آموزان را مسئول آماده کردن تجهیزات ورزشی در زنگ ورزش نمود و یا دانش آموز دیگری را مسئول ساکت کردن بچه ها در زمان نبود معلم نمود. دقت نمایید که این مسئولیتها باید در بین تمامی دانش آموزان تقسیم شود و هر دانش آموز در هر دوره مسئولیت خاصی را برعهده بگیرد. قطعاً یک مدرسه خوب تاثیر بسزایی می تواند در پیشرفت دانش آموز در تمامی ابعاد داشته باشد. از آنجا که دانش آموزان حداقل ۶ ساعت از شبانه روز خود را در مدرسه سپری می کنند و سایر فعالیت های آنها در خانه وابسته به فعالیت های مدرسه است؛ باید در انتخاب مدرسه برای آنها توجه ویژه ای کرد. دانش آموزان از هفت سالگی وارد مدرسه شده و دقیقاً حساس ترین سن رشدی خود را در مدرسه سپری می نمایند؛ اگر مدرسه ای که کودکان در آن ثبت نام می شوند از تمامی جهات ممتاز باشد و به پرورش کودک به اندازه آموزش توجه شود؛ دانش آموز می تواند شخصیتی مثبت، مسئولیت پذیر همراه با اعتماد به نفس بالا به دست آورد. به همین سبب در ادامه به مهمترین ویژگی های یک مدرسه خوب اشاره می شود. (جعفرپور، ۱۳۸۸،

(۱۴)

۹- بحث و نتیجه گیری

بدون شک نقش مدرسه در تربیت دانش آموزان بسیار پر رنگ است؛ بعد از خانواده اولین نهادی که کودک به صورت رسمی با آن آشنا می شود مدرسه است؛ برخی از کودکان برای اولین بار در مدرسه دوست پیدا می کنند و از آنجا که ویژگی های شخصیتی کودکان در سنین مدرسه رشد یافته تر است؛ تاثیر دوستان، معلمان و مدیران مدرسه بر آنها بیشتر است. از آنجا که دانش آموزان بخش عمده ای از وقت خود را در مدرسه می گذرانند و الگوهای آنها با ورود به مدرسه افزایش پیدا کرده و علاوه بر پدر، مادر و خواهر و برادر، معلم، مدیر و سایر متولیان آموزشی و دوستان به این الگوها اضافه شده اند؛ نقش مدرسه در تربیت کودک بسیار پر رنگ می شود. ضمن اینکه باید یادآور شویم که سن ورود به مدرسه در ایران هفت سالگی بوده و سن ۷ تا ۱۲ سالگی حساس ترین دوره تربیتی است و بعد از این سن شخصیت کودک تقریباً شکل گرفته است؛ از اینجا نقش مدرسه در تربیت مشخص می شود و در نتیجه تمامی متولیان آموزشی باید خود را موظف به حفظ اصول اخلاقی نمایند تا دانش آموزان از علاوه بر تقلید، کودکان اصول اخلاقی و برخی مهارتها را به صورت ضمنی نیز فرا می گیرند

امروزه، بسیاری از کشورها رمز موفقیت خود در پیشرفت کشور را، مدرسی می دانند که نقش کلیدی آن در دست «فراگیر» است، اما در کشور ما، همچنان کلید آموزش در دست معلمان است. دانش آموزان از شادابی، تکاپو و روحیه پرشگري کمتری برخوردارند و بدون هیچ ابتکار و خلاقیتی در کلاسهای درس حاضر می شوند. ساعات طولانی آموزشی، کلاسهای خشک تعداد زیاد دانش آموزان، امکانات کم آموزشی و ... ن و ... نیز، بخش دیگری از درسی، و بی روح، این مشکلات است آنها معتقدند که معلمان و مجریان امر آموزش، بیش از آنچه عمل می کنند، حرف می زنند و امکان یادگیری با انگیزه را از کودکان گرفته اند به غیر از دلایل فوق، از نظر میرآشتیانی، ضعفهای مهارتی دانش آموزان در زمینه های اجتماعی و شغلی نیز از مهم ترین نگرانیهای خانواده هاست.

برخی از محققان معتقدند که یک مدرسه اثربخش، مدرسه ای است که همه این شاخص ها را برآورده کند: ۱. ۹۵ درصد یا بیشتر دانش آموزان در هر سطحی دست کم تسلط علمی در زمینه های مهارت های پایه را از خود بروزدهند؛ البته این تسلط آزمون های استاندارد قابل بررسی و اثبات است؛ ۲. تفاوتی معنی دار میان میزان تسلط دانش آموزانی که از طبقات اقتصادی - اجتماعی پایین جامعه هستند و همتهای آنها بالای جامعه وجود ندارد و ۳. دو معیار بالا باید طبقات به مدت سه سال برقرار باشد.

مهم ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود. انتقال ارزش های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه ای که مدرسه دانش آموزان را متعهد می سازد ارزش های جامعه را درونی سازند. در مدارس، آموزش ارزش ها در لایه لایه دروس گوناگون صورت می گیرد و کارایی تعلیم ارزش ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. معلم با شناخت امکانات، به تجهیز محیط آموزشی می پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می کند؛ چراکه موفقیت در مدارس مستلزم آن است که معلمان عقاید دیگران را بپذیرند. نظام آموزش و پرورش از طریق روش هایی که در امر تدریس به کار می گیرد ارزش ها و برداشت های خاصی را در ذهن دانش آموزان جای می دهد و در روند تبیین ارزش ها، همسالان از طریق کنش متقابل، نقش مهمی ایفا می کنند، به گونه ای که نظام های آموزشی در دنیا کشیده «مدرسه محور» تلاش می کنند از توانایی های منابع انسانی خود سود ببرند. اگر نظام های آموزشی به سوی مدیریت و حرمت گذاشتن به توانمندی منابع انسانی هستند. محتوای درسی «فرا دست فرو دست» شده اند خواهان گذر از مدیریت هم مسیر رسیدن به هدف های اجرایی را برای شاگردان میسّر می سازد. مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط مشخص و با توجه به ساخت ویژه هر رشته و یادگیری قبلی شاگردان تنظیم شود. محتوای آموزشی باید مرتبط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی باشد. همه این امور در یک فضای مناسب درسی امکان پذیر است و سرانجام، معلم از طریق ارزشیابی، به وجود قوت و ضعف تدریس خود

و کفایت ابزارهایی که در تدریس به کار برده است، پی می برد. موضوع تربیت، انسان است و انسان موجودی پیچیده است. نوع زندگی فردی و به تبع اجتماعی او نیز دائماً در حال تحول و دگرگونی می باشد،

با توجه به مطالب بیان شده در سرتیترهای قبل، نقش مدرسه در تربیت دانش آموزان غیر قابل انکار است. مدرسه در تمامی ابعاد شخصیتی دانش آموزان مانند اجتماعی، فردی، اخلاقی، دینی و غیره تاثیر بسزایی می گذارد. برای اینکه معلمان و متولیان آموزشی بتوانند تاثیر مثبت و چشم گیری در تربیت دانش آموز داشته باشند توصیه می شود که با اصول روانشناسی و تربیتی آشنایی پیدا کنند.

قطعاً یک مدرسه خوب تاثیر بسزایی می تواند در پیشرفت دانش آموز در تمامی ابعاد داشته باشد. از آنجا که دانش آموزان حداقل ۶ ساعت از شبانه روز خود را در مدرسه سپری می کنند و سایر فعالیت های آنها در خانه وابسته به فعالیت های مدرسه است؛ باید در انتخاب مدرسه برای آنها توجه ویژه ای کرد. دانش آموزان از هفت سالگی وارد مدرسه شده و دقیقاً حساس ترین سن رشدی خود را در مدرسه سپری می نمایند؛ اگر مدرسه ای که کودکان در آن ثبت نام می شوند از تمامی جهات ممتاز باشد و به پرورش کودک به اندازه آموزش توجه شود؛ دانش آموز می تواند شخصیتی مثبت، مسئولیت پذیر همراه با اعتماد به نفس بالا به دست آورد. به همین سبب در ادامه به مهمترین ویژگی های یک مدرسه خوب اشاره می شود.

از اولین و مهمترین ویژگی های یک مدرسه خوب این است که مربیان و متولیان آموزشی مدرسه افرادی با سواد و مسئولیت پذیر باشند. منظور از سواد این است که متولیان آموزشی در خصوص نحوه تربیت فرزندان، دوره های حساس رشدی، نحوه شکوفا کردن استعدادهای دانش آموزان و غیره اطلاعات داشته باشند و این اطلاعات را در همین جهت به کار بندند. معلمان و مربیان که با دانش روانشناسی ارتباط خود را حفظ می کنند و از روانشناسان برای پرورش کودکان بهره می جویند؛ می توانند در شغل خود بهترین عملکردها را اتخاذ نمایند.

روش کار مدرسه محتوای یادگیری همان چیزی است که کودک به آن احساس نیاز می کند بنابراین محیط، نیازهای کودک را فراهم می کند. کودک برای رفع نیاز خود، از میان منابع در دسترس انتخاب می کند. هرچه کارشناسان و برنامه ریزان و اولیا و سرپرستان کودک برای رشد و تعالی کودک صلاح می دانند در قالب کارگاه در معرض انتخاب آزاد کودک قرار می دهند. کارگاه هایی که یک کودک پیش دبستانی در مدرسه فردا با آنها مواجه می شود عبارتند از:

- مجموعه کارگاه های هنری (حجم سازی، نقاشی و...)

- زبان آموزی (شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن)

- پژوهشی (مفاهیم و مهارت های علوم و ریاضی)

بازی با انواع اسباب بازیها مشارکتی (به این معنا که کودکان و مربیان همراه آن ها هر یک فرصت دارند تایک کارگاه تازه را برپا کنند. که به معنای مشارکت در یاددهی است.) این کارگاهها صرفاً بهانه ای برای تعامل با مربیان مدارس است. بدیهی است چنانچه مدرسه فردا بنا داشت تا مسئولیت تربیت و آموزش گروه معینی از دانش آموزان را به عهده بگیرد، لازم بود منابع لازم از سوی مدرسه تهیه شود.

اثربخشی کودک از فضای فیزیکی، روانی و آموزشی مدرسه، مدرسه موسسه ای اجتماعی است که یک دانش آموز در سطوح متعدد اجتماعی، اقتصادی، هوشی و سنی با دیگر دانش آموزان و افراد برخورد کرده و ضمن هماهنگی خود را به سلاح علم مجهز نموده و در کنار آن صفات لازم تکاملی را نیز به تدریج می آموزد. لحظاتی را که کودک در مدرسه سپری می نماید از مهم ترین و حساس ترین لحظات زندگی او می باشد. فضای مدرسه تحت تأثیر عناصر گوناگونی از قبیل معلم، مدیر، ناظم، مستخدم، مسئول تربیتی و همکلاسی ها قرار دارد که همه آنان می توانند برای دانش آموزان الگو و سرمشق باشند و در شکل گیری ابعاد روحانی آنان ایفای نقش نمایند. کودکان بیشتر از افراد بزرگتر تحت تأثیر قرار می گیرند، چراکه بزرگترها قادرند بین بعضی امور و کارها امتیاز و فرقی قائل شوند در صورتی که کودک به دلیل عدم علم کافی و بدون مطالعه و ارزیابی از تمام اعمال و رفتار و گفتار دیگران، الگوبرداری می نماید؛ کودک به درستی یا نادرستی، خوب یا بد، نفع یا ضرر گفتار و کردار نمی اندیشد، بلکه فقط برای او مهم این است که اعمال، گفتارها و رفتارها را به عنوان یک قانون حتمی بپذیرد. فضای فیزیکی

روانی و آموزشی مدرسه از جمله مسایلی است که می تواند بازتاب مهم و قابل توجهی بر ساختار رشد و تکامل ذهنی و فکری و نیز خلاقیت و سلامت روان دانش آموزان داشته باشد و به عنوان زیربنایی از بنیادهای حرکت اجتماعی فردای دانش آموزان مورد نظر قرار گیرد. نوع بینش ها، اطلاعات، عقاید و آرزوهای محیط درس و مدرسه و مربیان و مسئولان سازنده ایمان کودک است. در محیط مدرسه باید عوامل اخلاقی نظیر پاکدلی، پاکبازی، صداقت و راستگویی، گذشت و فداکاری، استقامت و شکیبایی، انصاف و عدالت حکمفرما باشد، تا شخصیت و عالم درون کودکی با این عوامل حسنه عجین شود و به صورت خوی و عادت در وجود او بروز نماید. **الگوپذیری کودک از مسئولین و معلمان** مدرس نقش معلم در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی کودکان بسیار دارای اهمیت است. معلم از یک نظر قهرمان کودک است و مورد قبول شاگرد. برای اساس همه افعال و اقوالش برای طفل حجت است. او رهبر علمی کودک است و باید الگوی اخلاق، نظافت، حسن برخورد و راه و رسم درست او باشد. نفوذ معنوی معلم در بین شاگردان به قدری ریشه دارد که با اعمال و رفتار خود به الگو و سرمشق برای کودکان تبدیل می شود. کودکان و نوجوانان از تک تک اشارات و حرکات و نحوه گفتار و مثال ها و واژه هایی که معلم به کار می برد، تأثیر می پذیرد. از مهمترین شاخص های تربیت اسلامی، احساس وظیفه در برابر جامعه و توجه به تعهد و مسولیت اجتماعی است. « و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر » (توبه، آیه ۷۱) امر به معروف و نهی از منکر که برخاسته از رابطه برادری اسلامی و ولایت متقابل اعضای جامعه است و ضرورت حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه که در آیات فراوانی از قرآن کریم ذکر شده است، اهمیت این شاخص را نشان می دهد. اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند مسئول و متعهد می داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول نیستی تو در مقابل اجتماع خویش هم مسولیت و تعهد داری .

ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مجریان احکام الهی، در بعد آموزش، اهداف علمی را دنبال می کردند تا بدین طریق، علاوه بر پیشبرد وضعیت علمی، سطح فکری و درک اجتماعی مردم را کیفیت بخشند. در بعد پرورشی نیز در پی رشد اخلاق، اعتقاد و پرورش استعداد های فطری آنان بودند. مهم ترین اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بر محور شناخت خدا، انسان و هستی، و به عبارت دیگر، ایمان به اصول و فروع دین اسلام و اخلاق استوار است. ایشان با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در توجه مسلمانان به این اصول زیربنایی داشتند تا از این طریق، به اهداف نظام اسلامی دست یابند؛ زیرا زمانی تلاش آنان در تعلیم و تربیت مسلمانان سودبخش است که مترقی به اصول موضوعه اسلام ایمان و اعتقاد داشته باشد. به همین دلیل، یکی از مواد آموزشی آنان در جهت تربیت مردم، آموزش معارف دینی بود. در رأس این تلاش ها، توجه دادن مردم به شناخت مبدأ آفرینش، پرستش وی به عنوان خدای یگانه اهمیت بیشتری داشت. اولین هدف تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در تعلیم و تربیت شیعیان، توجه دادن آنها به اصول دین و مذهب است و در رأس این تلاش، توجه دادن مردم به مباحث توحید در بعد افعال و صفات خداوند، شناخت و ایمان به او و در نهایت، پرستش او به عنوان تنها پروردگار جهان؛ خداوندی که یگانه است و همه امور به دست قدرت اوست. به فرمایش امام علی علیه السلام سنگ بنای اسلام معرفت به خداست. هدف دیگر آنان توجه دادن مردم به حقانیت معاد، نبوت و وحی، و امامت است. امامان شیعه علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان بر حق پیامبر، مفسران وحی و کلام الهی هستند. آنان به دنبال پی ریزی نظامی تربیتی بودند که از طریق پیامبر و قرآن به پروردگار عالم منتهی می شود

یکی دیگر از اهداف تربیتی امامان دین علیهم السلام در تعلیم و تربیت، توجه دادن مسلمانان به اخلاق، آداب اجتماعی، تقوای الهی و رشد تربیت دینی است. «تربیت دینی» عبارت است از: مجموعه ای از اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های معتبر دین به افراد، به نحوی که آنان در عمل و نظر، به آن آموزه ها متعهد گردند. از این رو، در توجه به این حقیقت، تمامی اعمال و رفتار انسانی معنا پیدا می کند. لازم به ذکر است که در زمینه رشد و تعالی اخلاق و تربیت دینی مردم، اولین گام خودسازی مرتبی است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرمایند: هر کس خود را پیشوای مردم می خواهد، باید پیش از ادب کردن دیگران به ادب کردن خود بپردازد و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد و نه به گفتار.

تلاش بزرگان دین علیهم السلام در تربیت دینی و رشد اخلاقی شیعیان، به گونه ای است که آغازین مرحله آن توجه دادن فرزندان خویش به مسائل تربیتی و آموزش آنان است و در رأس مباحث اخلاقی، اخلاق سپاسگزاری از پروردگار؛ چنان که امام باقر علیه السلام پیش از طلوع آفتاب، فرزندان را جمع می کرد و به آنها دستور می داد قرآن تلاوت کنند و یا ذکر بگویند. یا امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمودند: ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم. نیز آنان تمام تلاش خود را در نهادینه کردن این نوع تربیت در رفتار شیعیان به کار می بستند تا معیار بازشناسی آنان از دیگران باشد. همچنین از این طریق، به اصلاح جامعه می پردازند؛ زیرا اگر جامعه اصلاح نشود فساد برخی نابودی دیگر اقشار جامعه را در پی خواهد داشت. معصومان: برای رشد اخلاقی و تربیتی جامعه اسلامی، مسلمانان را به کیفیت بخشی اعمال، که همان «تقوا» باشد، توجه می دادند. «تقوا» به معنای حفظ و نگه داری است و در تعلیم و تربیت، این واژه به معنای حفظ و اداره و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر عقلانی و وحیانی است. درباره اهمیت وجود تقوا، در زندگی انسان ها، امام علی علیه السلامی فرمایند: ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم که تقوا حق خداست بر شما، و حق شما بر خدا سبب شود از خدایی یاری جوید که به تقوایتان یاری دهد. . . راه تقوا راهی روشن است و پناهگاه فردا؛ راهی است که شما را به بهشت می رساند.

پیشنهادهات

پیشنهاد میشود مسئولین نظام آموزشی اقداماتی از جمله: تفویض اختیار و قدرت تصمیم گیری از ردههای مدیریتی بالا به سطوح پایین، فراهم کردن امکانات و بودجه لازم برای مدارس، فراهم سازی و برنامه ریزی آموزشهای لازم و کافی برای مدیران و معلمان به شیوههای مختلف مانند برگزاری کارگاهها، همایش ها و ... ، تلاش برای جلب همکاری والدین و سایر نهادهای جامعه و تشویق به انجام مطالعات و پژوهشهای مرتبط

منابع:

قرآن کریم

آقامحمدی، جواد (۱۳۸۸)؛ بررسی سب مدیران و جو سازمانی در مدارس شهرستان دیواندره در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.

الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸)؛ مدیریت عمومی؛ تهران: نشر نی

باقری، خیره، ۱۳۶۸، نگاهی، دو بار ها نه توست اسلامی، ته اوره سازمان بوده و برنامه بزی آموزشی وزارت آموزشی

پاک نیا، عبد الکریم؛ جایگاه معلم در فرهنگ : مجله میلغان « اردیبهشت ۱۳۸۶ - شماره ۹۰

جعفرپور، داوود، مدرسه و تربیت، ۱۳۸۸، تهران: انتشارات افق، ۸۵۰

خاکسار، رضا (۱۳۸۱)؛ بررسی و مقایسه میزان تأثیر جو سازمانی مدرسه بر رفتار اثربخشی مدیران دبیرستانهای پسرانه و دخترانه شهرستان اردبیل از دیدگاه دبیران مربوطه در سال تحصیلی ۱۳۸۱ - ۱۳۸۰، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.

خضری، مهدی (۱۳۸۱)؛ بررسی رابطه بین خلاقیت کارکنان با جو سازمانی در شرکت صنایع مس شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.

. شریعتمداری، علی، ۱۳۸۸، اصول تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۵

- شعبانی، حسن، مهارت های آموزشی و پرورشی، چ بیستم، تهران، سمت، ۱۳۸۵
- شفیعی، محمدنبی (۱۳۸۳)؛ بررسی و مقایسه جو سازمانی دبیرستانهای پسرانه شهر تهران با مدیران انتخابی و انتصابی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- صادقی، حسین نقش و جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت، مجله: پیوند «خرداد ۱۳۹۵ - شماره ۴۳۹» صحرانورد. نگار: حسین چاری. مسعود؛ بررسی نقش معلم در تعلیم و تربیت اسلامی مجموعه مقالات دانشگاه علاطباطبایی «سال ۱۳۸۵ - شماره ۲۳۲ ۲۰».
- عباس زاده، میرمحمد و حسن قلاوندی (۱۳۸۴)؛ «بررسی نگرش دبیران به جو سازمانی و رابطه آن با روحیه دبیران در دبیرستانهای دخترانه»، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی؛ ش ۳، ۸۹
- علی نژاد، معصومه میرسیاسی، زهره صانعی، سعید، دیواندری، طاهره؛ دیواندری، سید حسن؛ جایگاه مدرسه و تعلیم و تربیت اسلامی، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی - زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۲۷
- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۷، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی
- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۸، مبانی و اصول آموزش و پرورش، آستان قدس
- فولادوند، خدیجه (۱۳۸۶)؛ «بررسی رابطه جو سازمانی با سلامت روانی کارکنان بیمارستانهای دولتی شهرستان ایلام»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام؛ ش ۵۴، ۴۴.
- قدسی، احقر (۱۳۸۶)؛ «بررسی نقش جو سازمانی مدرسه در استرس شغلی مشاوران دوره متوسطه شهر تهران»، فصلنامه تازه ها و پژوهش های مشاوره؛ ش ۲۳، ۲۵.
- قطب، محمد، ۱۳۶۲، روش تربیتی اسلام، ترجمه جعفری، تهران انجام کتاب.
- قاسمی نژاد، افسر (۱۳۸۱)؛ تعیین رابطه جو سازمانی با استرس شغلی و رضایت شغلی دبیران، پایان نامه شناسی ارشد؛ دانشکده علوم تربیتی
- دلگشایی، بهرام؛ شهرام توفیقی و بهناز کرمانی (۱۳۸۷)؛ «رابطه جو سازمانی و تعهد سازمانی کارکنان و مدیران بیمارستانهای آموزشی دانشگاه
- طالب پور، مهدی؛ اکبر معرفتی و جواد غلامیان (۱۳۸۸)؛ «ارائه مدل رگرسیونی جو سازمانی و کارآفرینی سازمانی دانشکده های تربیت بدنی کشور»، فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی؛ ش ۲۲،
- لشکر بلوطی، غلامرضا و دیگران، برنامه ریزی آموزشی و آموزش برنامه ریزی، ارزشیابی آموزشی در یک نگاه، پنجم، تهران، ابوعطا، ۱۳۸۸.
- ملک زاده آقباش، شیدا (۱۳۸۶)؛ بررسی رابطه جو سازمانی و اثربخشی مدارس در دبیرستانهای دولتی دخترانه شهر تهران از دیدگاه دبیران، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی
- مجید قدسی رودانی رحمان عشریه. جایگاه نقش مدرسه در تربیت سال ۱۳۹۶
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدر
- نوذری، محمد. بررسی جایگاه معلم در تصمیم گیری برنامه درسی - مجله: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۳۴»
- نوربخش، مهوش و میر نادری، علی اکبر (۱۳۸۴)؛ بررسی رابطه جو سازمانی با رضایت شغلی در معلمان تربیت بدنی دوره متوسطه شهر اهواز، «المپیک»، ش ۲۹، ۷ تا ۱۸.